

گریزنده است  
به محال تو  
سردِ سرد  
به جنوبِ شکر ریز بوسه‌ها  
آغشته می‌شوم  
در انحنای غروب  
به شراب ریخته‌ی  
چشم‌ها

به نی‌ی شکرها پناه آورده  
گریزنده است من  
نی‌ی داوود می‌زند  
و من سامری‌ام  
انتظار می‌کشم  
بیضای سردِ سرد  
به شکر ریزِ بوسه‌ها  
به محال تن  
به تو....

۹۱/۰۷/۲۸